

# اسرار سازمانهای سری

(قسمت دوم)

۴ - ضد جاسوسی

ضد جاسوسی در تمام سازمانهای سری از موقعیت خاصی برخوردار است. این موضوع تا اندازه‌ای به عملیات مربوطه آن بستگی دارد، که در پاره‌ای موارد موجب جنایاتی میشود و کشتارهایی را بدون باقی گذاشتن اجساد، و بدون آثار و علائم جرمی مرتکب میگردد. بعبارت دیگر، دشمن را از بی بردن به نقشه‌ها و طرح‌های دوستان باز میدارد، و در عین حال از چهره افکار و نقشه‌های دشمن نقاب برمیکشد. حفاظت در برابر نفوذ دشمن، زیر پوشش جنگ بر علیه نفوذ و جاسوسی او، بدون هیچ شک و تردید، ماموریتی شورانگیز و جالب است. بنابراین بسیار طبیعی است که بنظر آن اشخاصی که درین کار تخصص دارند، ضد جاسوسی مهمترین و مشکلترین تمام فعالیت‌های یک سازمان سری بشمار می‌آید. چه این موضوع واقعیت داشته و یا اینکه تا اندازه‌ای مبالغه آمیز باشد، در یک واقعیت نمیتوان تردید داشت و آن اینکه ماموران "ضد جاسوسی" از نظر کارائی، اطلاعات، و آگاهی به رموز کار و روشهای دشمن و راههای مبارزه با آن، و طریق نفوذ در شبکه‌های آنها، از دیگر ماموران سازمان سری مسلط تر و با تجربه تر میباشند. این دانش و آگاهی، آنها را برای فعالیت در سایر عملیات سازمانهای سری آماده میدارد، هر چند این گونه فعالیت‌ها رسماً "از آنها خواسته نشده باشد."

کسی که در بخش سازمان ضد جاسوسی (ضد اطلاعات) کار میکند بایستی از طبیعت و ساختمان سازمانهای سری اطلاع داشته باشد و این اطلاع، هم سازمانهای سری بیگانه، و هم اشخاصی که آنها را اداره می‌کنند و در فعالیت‌های آنها سهمی دارند، در برمیکشد. در حقیقت، در زمانیکه رویارویی دو قدرت بزرگ، بخاطر انگیزه‌های سیاسی و دیپلماتیک و غیره در تلاش فعالانه و دائم میباشند، بدیهی است که آگاهی بر طرز ساختمان و نوع فعالیت سازمانهای سری از هر قبیل و هر نوع، و هدفهای آنها و حتی امور و فعالیت‌های عادی آنها ضروری و گریز ناپذیر است. گاهی نیز درست برعکس، ممکن است یک فعالیت سیاسی سری لازم باشد که حتی از نظر سازمانهای سری کشورهای دوست مخفی نگاهداشته‌نود، گو اینکه، موفقیت در این مورد، یعنی مخفی نگاه داشتن بعضی فعالیت‌های سیاسی از نظر سازمانهای سری کشورهای دوست بایستی با تردید تلقی گردد. دلیل

آنهم اینستکه ، سازمانهای سری کشورهای دوست در هر فرصتی که برای موارد خاص با سازمانهای سری کشوری تماس حاصل نمایند ، معمولاً " از حد لازم فراتر رفته و از گوشه کنار در باره امور دیگر نیز اطلاعاتی بدست آورند ، و تا آنجا که ممکن است خود را در حاشیه در جریان امور قرار دهند . از طرف دیگر ، می بینیم که در جریان جنگ جهانی دوم ، هنگام آشکار شدن بعضی فعالیت های جاسوسی ، مواردی پیش آمد که نتیجه بسیار نامطلوب ببار آورد ، که بایستی از آنها بعنوان درسی ارزنده و تجربه ای تلخ ، پند گرفت و بهر حال آنها را مواردی دانست که ناچار از جلوگیری تکرار آن میباشیم . یکی از آن موارد مسئله مخالفت و عدم توافق میان " دستگاه ضد جاسوسی " و " سازمان امنیت " میباشد . " سازمان امنیت " ، بدلیل ویرانگریها و خرابکاریهای عملیات سازمانهای سری دشمن ، طرفدار قطع رابطه با دشمن و دستگاههای جاسوسی او میباشد . بهمین سبب است که این سازمان پس از کشف شبکه جاسوسی دشمن فقط با آن اندازه صبر میکند که گسترده شبکه و تمام اعضای آنرا بشناسد ، و پس از این شناسائی با آنها حمله مینماید ، تا تشکیلات و شبکه آنها را از هم بپاشد و نابود سازد .

" دستگاه ضد جاسوسی " ( ضد اطلاعات ) ، که موفقیتش بر اساس رابطه طولانی و کنترل شده با دشمن قرار دارد ، برعکس ، سعی میکند ، و درین کار هم اصرار میورزد ، که با شبکه کشف شده ارتباط برقرار نماید و از آن استفاده کند .

این شکاف و فاصله مابین هدفهای " سازمان امنیت " و " سازمان ضد جاسوسی " میتواند درباره ای موارد به درگیریهای شدید بیانجامد ، همانگونه که در زمان جنگ جهانی دوم در فرانسه اشغال شده پیش آمد . در آنجا ، اداره  $\text{III}^{\text{e}}$  -  $\text{A}$  از دستگاه (Abweher) خود را با سازمان (S.D) یعنی " سازمان امنیت نظامی " و رئیس پلیس امنیتی که سرهنگ اس . اس . " دکتر کنوخن " (Colonel S.S.Dr. Knochen) بود در رقابت شدید یافت .

سازمان جاسوسی دشمن را باز بگذارد تا آنگاه که نتایج حاصل از ارتباط و شناسائی آنها را بوسیله " دستگاه ضد جاسوسی " ( ضد اطلاعات ) بدست آورد و این ارتباط را تا وقتی که ممکن است ادامه دهد . بهر حال حمله به آنها و دستگیری آنها ، خلاف روش " سازمان ضد جاسوسی " بود . از آنجائیکه هیچ سازمان بیطرفی وجود ندارد ، و از آنجائیکه با حضور " پلیس امنیتی " کسی نمیتوانست بدون اجازه و موافقت رئیس مستقیم آن در فرانسه اشغالی کاری انجام دهد ، بالنتیجه هر مورد بخصوص ، میبایستی بطور جداگانه و دقیقاً بررسی شود و از صافی سخت گذر مراتب اداری بگذرد و نتیجه حاصل هم بستگی داشت به توفیقی که هریک از دستگاهها در قانع کردن مقام بالاتر بدست میآوردند .

از اینگونه درگیریها تقریباً "در تمام سازمانهای سری وجود دارد. این کشمکش ها بخودی خود پدیده‌ای طبیعی هستند، تنها با این تفاوت که در زمان "رایش سوم" این درگیری از یک ایدئولوژی "عقب مانده" مایه میگرفت، و آن کشمکش میان "حزب" و "ارتش" بود، که در آن زمان باوج شدت خود میرسید. این وضع تقریباً "در تمام سازمان های سری دنیا، که در تشکیلات آنها فعالیت های سازمان ضد جاسوسی را زیر نظر و فرمان "قسمت انهدام و تخریب" قرار میدهد، بصورت درگیری ها و نابسامانیهای دائم بچشم میخورد.

برای نمونه، میتوانیم تکامل سیاسی سازمان سری فرانسه را مورد مطالعه قرار دهیم. پس از جنگ ۱۸۷۰ میلادی، در باره طرح و تشکیلات اداری که براساس آن "سازمان ضد جاسوسی" میتوانست مجال فعالیت و توسعه بیشتری پیدا کند، میان نظامیان و غیر نظامیان اختلاف نظر زیادی وجود داشت.

در آن زمان به "ضد جاسوسی نظامی" بچشم پیش فراولان سپاه مدافع برای آگاهی از تصمیمات و نقشه‌های ارتش دشمن می نگریستند، که بهیچوجه نمونه‌ای از "دستگاه ضد جاسوسی" بمفهوم نام کلمه بحساب نمی آمد. ناسیونالیستها و آن کسانی که از بیگانگان واهمه داشتند طرفدار توسعه عملیات ضد جاسوسی و حتی جاسوسی بودند. اما واقعه "دریفوس" بود که این اختلاف نظرها را آنطور که باید و شاید برای عموم مردم آشکار ساخت.

پس از پنجسال تردید، که طی آن از یکطرف در اثر شایعات مربوط به خیانت و از طرف دیگر اشاعه طرز فکری تازه بنام "منطق دولت"، احساسات مردم برانگیخت تا بدان پایه که سرانجام دولت ناچار گردید، زیر فشار افکار عمومی، سازمانی بنام "ضد جاسوسی"، که وظیفه اش نظارت در امور مرزها و استحکامات نظامی و نیروی دریائی بود در "وزارت کشور" تاءسیس نماید.

در نیمه اول سال ۱۸۹۹ دفاع و امنیت و تمامیت ارضی از مسئولیت های وزارت دفاع و وزارت کشور بشمار میآمد، بدین ترتیب که وزارت کشور وظیفه اش "امنیت عمومی" شامل امنیت داخلی و مرزها و پایگاههای دریائی از داخل و خارج کشور بود. بنابراین "سازمان ضد جاسوسی" پیشین به "سازمان نظارت ارضی و امنیت عمومی" تبدیل گردید. این تغییر بطور کلی سبب شد که افکار عمومی دو باره به ارتش اطمینان پیدا کند. دلیل این موضوع هم آن بود که وقتی ارتش از جریان امور و تصمیمات و فعالیت های طرف مقابل و دیگر کشورها و سازمانهای سری اطلاعاتی بیگانه آگاه و آماده باشد بهتر میتواند وظیفه خود را که دفاع از تمامیت ارضی کشور است انجام دهد.

در سال ۱۹۱۳، دستوری از طرف وزارت جنگ (ونه وزارت کشور) تشکیلات سازمان ضد جاسوسی را بدین ترتیب تغییر داد که در زمان صلح از یکطرف در برابر ارتش و از طرف دیگر در برابر وزارت کشور مسئولیت داشته باشد. از لحاظ ارتش وظایفی در حدود امنیت مرزها انجام دهد و از نظر وزارت کشور، امور نظارت در عبور و مرور مرزی، مبارزه بر علیه جنایات و خلافتکاری هایی که بر علیه امنیت داخلی و دولت است (ضد جاسوسی داخلی) را بعهده گیرد. این ترتیب، البته با تغییراتی جزئی و زیر عنوانهای مختلف، تا امروز هم ادامه دارد.

در ماه ژوئن ۱۹۳۴ سازمانی بنام "کنترل عمومی و نظارت ارضی" تشکیل گردید، که مستقل از کلیه امور "پلیس جنایی" و تابع دستور مستقیم وزارت کشور برای "امنیت ملی" بود.

چند سال بعد، در ماه ژوئن ۱۹۳۸، قلمرو عمل "نظارت ارضی" و "سازمان اطلاعات نظامی"، خواه در زمان صلح و خواه در زمان جنگ، با روشنی هرچه تمامتر تعیین گردید و همکاری این دو سازمان با یکدیگر تحت نظم و ترتیب خاصی قرار گرفت. اما بزودی آشکار شد که یک سازمان جاسوسی با دو سر (دو رئیس) بهیچوجه پاسخ گوی نیازهای نبردی وسیع و سریع که مشارکت فوری و فعالانه همه ملت را لازم دارد، نمیباشد. زمان جنگهای کلاسیک گذشته است. کشمکشها و درگیریها جنبه ایدئولوژیک بخود گرفته و در تمام زوایای حیات ملی، از جمله زمینههای سیاسی، اقتصادی، علمی، نظامی و فرهنگی بصورت های پنهان و آشکار و بویژه زیر نقاب دوستی، رخنه گر میباشد. البته این طرز فکر به فرانسه تنها اختصاص ندارد.

در جریان جنگ جهانی دوم، و در زمان حکومت فرانسه آزاد برهبری "ژنرال دوگل"، ماموریت کسب اطلاعات سری و ضد جاسوسی در خارج از کشور بعهده "اداره مطالعات و تحقیق" که بخشی از "سازمان مرکزی عملیات و اطلاعات" بود شروع بفعالیت نمود. ریاست این اداره بعهده یک افسر جوان که دارای نبوغ لازم بود بنام "دواروین" قرار گرفت که با نام مستعار "سرهنگ پاسی" مشغول بکار شد. اما نکته مهم اینجاست که به بینیم منشاء اصلی این اداره از چه قسمت ها و تشکیلاتی بوده است.

ازیکسو، فرانسه آزاد بارتباط و تماس گسترده با فرانسه اشغال شده نیاز داشت، و از سوی دیگر، اهمیت مأموریت روز بروز و با سرعت غیر قابل تصویری زیادتیر میشد و از یک فعالیت محدود بیک سازمان مقاومت وسیع تبدیل میگردد که لزوم کسب اطلاعات و ارتباط با جنبشهای مقاومت را برای رساندن پول و اسلحه بدانها هر لحظه ضروری تر میساخت. "اداره مرکزی عملیات و اطلاعات" نه تنها بخاطر فعالیت های رزمی، بلکه

بخاطر فعالیت های سیاسی که از طرف " ژنرال دوگل " آغاز گردیده بود، بتدریج بسه صورت هسته مرکزی و سازمان اصلی درآمد.

" نظارت ارضی " که به وزارت کشور وابستگی داشت و " ضد جاسوسی داخلی " را در بر میگرفت، در سال ۱۹۴۲، هنگامیکه نیروهای آلمان سراسر خاک فرانسه را اشغال کردند، منحل گردید و دیگر تا هنگام " آزادی فرانسه " تشکیل نگردید. در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۴، این سازمان به سازمان D.S.T یعنی " اداره نظارت ارضی " مبدل شد. در سال ۱۹۴۵ " اداره مطالعات و تحقیق " به S.D.E.C.E یعنی " سازمان مدارک خارجی و ضد جاسوسی " تبدیل گردید. با این وجود مشکل ضد جاسوسی هنوز حل نشده بود ( شاید هنوز هم کاملاً حل نشده باشد ). اما بهرحال، این موضوع پس از جنگ جهانی دوم، در فرانسه مانند هر کشور دیگری، جلب توجه بیشتری نمود. حال اگر به وضع آلمان فدرال نگاه کنیم می بینیم که در آنجا " سازمان فدرال حفظ قانون اساسی " که همان " امنیت داخلی " است، و " سازمان اطلاعات فدرال " جهت ( کسب اطلاعات و ضد جاسوسی خارجی ) وجود دارد. در ایالات متحده امریکا، دو سازمان یکی بنام ( F.B.I ) " اداره تحقیقات فدرال " و دیگری CIA " سازمان مرکزی اطلاعات " مشغول فعالیت هستند. CIA یعنی " سازمان سیا " در سال ۱۹۴۸ تشکیل گردید. این دو سازمان در موارد محدودی با هم همکاری دارند.

" سازمان سیا "، CIA خط دفاعی پیشرفته‌ای بوجود آورد که قادر است بر ضد جاسوسی های دشمن، حتی خارج از خاک امریکا، اقدام نماید و میتواند نقشه‌های سازمان‌های اطلاعاتی دشمن را، پیش از آنکه مأمورین آنها بموقعیتی دست یابند، خنثی نماید. مأموریت این سازمان دفاعی، عبارتست از حفاظت سرفرماندهی های امریکادر خارج و مراقبت دفاعی از تاسیسات فنی و صنعتی و غیره در برابر نفوذ عوامل خارجی و نیز جلوگیری از نفوذ جاسوسان به اسرار نیروهای مسلح ( ارتش، نیروی هوایی، نیروی دریایی و غیره ). در هریک از این قلمروها، مسئولیت و وظایف " سیا " بطور جداگانه و مشخص تعیین گردیده است.

" اداره تحقیقات فدرال " ( F.B.I )، در امور داخلی امریکا دخالت مینماید و از جمله وظایف آن، پویزه وظیفه بسیار مهم همانا دفاع ملی و دفاع از خاک امریکا در برابر اعمال زیان آور مأموران دشمن میباشد.

جدا ساختن وظایف از این جهت مفید و عملی است که هر یک از سازمانها برای انجام وظایف خود مستقل هستند و میتوانند کارشان را بدون هیچگونه درگیری پیش ببرند و در مقابل کارهای انجام شده مسئول باشند و درعین حال هنگام لزوم نیز نهایت

همکاری را با هم معمول دارند. اما همیشه کارها با این راحتی و آسانی پیشرفت نمیکنند، نه تنها در امریکا بلکه در آلمان و فرانسه نیز وضع به همین ترتیب است. در کشورهای نامبرده هم در سالهای پس از ۱۹۴۵ و طی زد و خورد های " هندوچین " و " الجزایر "، درگیری سختی میان " سازمان مدارک خارجی و ضد جاسوسی " با " اداره نظارت ارضی " روی داد و روابط سیاسی مابین آنها تیره شد. چنانچه تکامل دستگاههای ضد جاسوسی در کشورهای فرانسه، ایالات متحده امریکا، انگلستان، و جمهوری آلمان فدرال را مورد توجه قرار دهیم، مشاهده می‌کنیم که این سازمان‌ها دستخوش تغییرات مکرر قرار گرفته‌اند و حدود کارآئی و کفایت آنها گاهی زیاده‌تر و گاهی کمتر شده است، در صورتیکه نیاز بوظایف آنها تغییری ننموده است.

آنچه درین بحث مورد علاقه‌ماست، حداقل شکل و تشکیلاتی است که یک سازمان ضد جاسوسی باید داشته باشد و مشخصات و خصوصیات آن را ( که بسختی از یک سازمان سری قابل تفکیک است ) بایستی تعیین نمود تا بتواند با موجودیتی مستقل و آزادی و استقلال عمل انجام وظیفه نماید.

" ژان پل موری یا " که یک فرانسوی است و سالها " کمیسار " سازمان D.S.T " اداره نظارت ارضی " بود، طی مقاله‌ای که در مجله

(Revue) de Defenese Nationale)

انتشار یافت، مشخصات و خصوصیات سازمان ضد جاسوسی را اینطور بیان می‌نماید:

" همه میدانند که کار ضد جاسوسی بجز با مداومت و سرسختی زیاد و بی‌گیری طولانی موفقیت آمیز نخواهد بود. رمز کار در تداوم و قوام روحی و تمایل باطنی آن کسی است که بایستی اطلاعات را بدست آورد، قوام فکری و اخلاقی آن کسی که منابع اطلاعات را کشف مینماید، و بالاخره قوام و عمق اطلاعات حقوقی و بی‌گیری رشته مطالب قانونی در آنگاه که کسی به اطلاعاتی که جنبه حقوقی و قانونی دارد دسترسی پیدا میکند. در امور ضد جاسوسی، مأمور اطلاعات نمیتواند خود را با بدست آوردن اسرار مهم در لحظه موفقیت، با آن موفقیت موقتی، راضی نماید، بلکه روش عمل او بایستی بایک نظر کلی بیرامون آینده‌نگری در بی موفقیت‌های بی دری برای رسیدن به هدف نهائی آینده دور بزند. در لحظه موفقیت، و همه لحظه‌های موفقیت آمیزی آمد آن، در هر زمان و هر پیش آمد و موقعیتی، بایستی دائما " به انواع رخنه و تجاوز ممکن برای حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور و ایمنی جان هم‌میهنانش ببندید. برای انجام این مقصود، فراهم آوردن امکانات و تشکیلات دارای انعطاف کافی، لازمه تسهیل کار سازمان ضد جاسوسی است که باید در چهار چوب دفاع ملی فراهم گردد و اقدام بدین کار ناگزیر و ضروری است.